

نظریه اوراسیایی

یک راهبرد در

مقیاس جهانی

است که بر واقعیت

جهانی شدن و پایان

«دولت - ملت‌ها»

تأکید می‌کند، اما

سناریوی متفاوتی را

برای جهانی شدن

ارائه می‌دهد که نه

یک نظم جهانی

تک قطبی و نه

حکومتی جهانی

و فراگیر را ایجاد

می‌کند. در عوض،

چندین منطقه

جهانی مختلف

(قطب) را پیشنهاد

می‌دهد.

جهانی است که بُردار تاریخ مدرن را مشخص می‌کند.

• پارادایم جهانی شدن، پارادایم آتلانتیک‌گرایی

دولت - ملت فعلی در حال تغییر شکل به یک دولت جهانی است. ما در حال رویارویی با تشکیل نظام‌های دولتی در سطح جهان در یک نظام اقتصادی اداری واحد هستیم. این اشتباه است که باور کنیم تمام ملت‌ها، طبقات اجتماعی و مدل‌های اقتصادی ممکن است بر اساس این منطق جدید در سطح جهان ناگهان شروع به همکاری با یکدیگر کنند. جهانی شدن پدیده‌ای تک بعدی و تک محور است که برای جهانی سازی دیدگاه غربی (در اصل آنگلوساکسون و آمریکایی) پیرامون چگونگی بهترین شیوه مدیریت تاریخ بشریت می‌کوشد. این وحدت ساختارهای مختلف اجتماعی سیاسی، قومی، مذهبی و ملی در یک نظام است؛ فرایندی که اغلب با ظلم و خشونت همراه بوده است. این یک روند تاریخی در اروپای غربی است که با سلطه بر ایالات متحده آمریکا به اوج خود رسیده است. جهانی شدن تحمیل پارادایم آتلانتیک است؛ با این حال، طرفداران جهانی شدن به هر قیمتی از اعتراف به این امر اجتناب می‌کنند. آن‌ها بر این باورند که وقتی جایگزینی برای آتلانتیک‌گرایی وجود نداشته باشد، آنچه هست «آتلانتیک‌گرایی» نخواهد بود. فرانسیس فوکویاما، فیلسوف سیاسی آمریکا، درباره «پایان تاریخ» می‌نویسد که به معنای پایان تاریخ ژئوپولیتیکی و تعارض بین آتلانتیک‌گرایی و اوراسیاگرایی است. این به معنای یک معماری جدید برای یک نظام جهانی جدید است که هیچ بدیلی ندارد و تنها دارای یک قطب (قطب آتلانتیک‌گرایی) است. عده‌ای نیز از این پدیده به عنوان نظم نوین جهانی یاد می‌کنند. مدل پیشین تقابل بین دو قطب (شرق - غرب یا شمال - جنوب) به مدلی از مرکز در مقابل پیرامون تبدیل می‌شود که در آن مرکز، غرب یا «شمال ثروتمند» است، در حالی که جنوب جهانی به پیرامون تنزل پیدا می‌کند. این شکل از معماری جهان کاملاً با مفهوم اوراسیاگرایی در تضاد است.

• بدیلی برای جهانی شدن تک قطبی

امروزه نظم نوین جهانی چیزی بیش از یک طرح، برنامه یا روند نیست. نظم نوین جهانی بسیار خطرناک است، اما سرنوشت ساز نیست. طرفداران جهانی شدن، وجود برنامه بدیل برای آینده را انکار می‌کنند، اما امروز ما با پدیده‌ای با مقیاس وسیع روبه‌رو هستیم: ضد جهانی شدن. و نظریه اوراسیایی تمام مخالفان جهانی شدن تک قطبی را به شیوه‌ای سازنده هماهنگ می‌کند. از این گذشته، این نظریه ایده رقابتی جهانی شدن چند قطبی (با تغییر جهانی شدن)